

# مادرانه‌های مریلا



مریم فضائلی خبرنگار گروه فرهنگ

دکتر علی شریعتی سال‌ها پیش جمله‌ای گفت که هنوز طنین آن در ذهن‌ها باقی است: «خدایا به من کمک کن تا هر وقت خواستم درباره راه رفتن کسی قضاوت کنم، کمی با کفش‌های او راه بروم.» این جمله هر چند درباره قضاوت است، اما می‌تواند به دنیای هنر و بازیگری نیز راه پیدا کند. بازیگران پیش از هر کس دیگری باید بتوانند با کفش‌های دیگران راه بروند، حتی اگر آن کفش‌ها هرگز اندازه پایشان نباشد. حتماً ضرب‌المثل «راه رفتن با کفش‌های دیگران» را شنیده‌اید. این جمله زمانی به کار می‌رود که بخواهیم بگوییم تا زمانی که خودت جای دیگری نباشی و تجربه‌هایش را از نزدیک لمس نکنی، نمی‌توانی دنیا را از نگاه او ببینی. اما برای یک بازیگر این تنها یک ضرب‌المثل نیست؛ این یک ضرورت است. بازیگر باید بتواند تمازش کند که با کفش‌های دیگری راه رفته است، حتی اگر هرگز آن مسیر را نپیموده باشد.

مادری را تصور کنید که فرزند بلندفامتش به جنگ رفته و حتی با تمام شدن جنگ هم خبری از پیگرد فرزندش به او بازگردانده می‌شود. حالا، پس از سال‌ها انتظار، تنها چند تکه استخوان از پیگرد فرزندش به او بازگردانده می‌شود. چگونه می‌توان این درد را درک کرد؟ چگونه می‌توان یک عمر مادری کردن، بزرگ کردن فرزند، فرستادن به جنگ و سپس از دست دادنش را تجربه کرد؟ اینجاست که هنر بازیگری معنا پیدا می‌کند. بازیگر باید بتواند این درد را به تصویر بکشد، حتی اگر خودش هرگز چنین تجربه‌ای نداشته باشد.

مریلا زارعی یکی از آن بازیگرانی است که بارها و بارها کفش‌های دیگران را به پا کرده است. او در نقش‌های مادرانه متعدد، از مادران شاد و سرزنده تا مادران داغ‌دیده و سوگوار توانسته است تصویرهای ماندگار از مادری در سینه‌ای ایران خلق کند. وقتی صحبت از مادر شهید می‌شود تصویر مریلا زارعی است که در ذهن‌ها نقش می‌بندد؛ مادری که پیکر کفن‌شده پسر تومنندش را که اندازه یک نوزاد شده، در آغوش می‌گیرد و پایش لالایی محلی می‌خواند. این تصویر نه‌تنها یک نقش سینمایی بلکه یک روایت عمیق از درد و عشق مادرانه است. مریلا زارعی تاکنون در ۱۹ نقش مادرانه ظاهر شده است، اما هر کدام از این نقش‌ها دنیایی متفاوت را به نمایش گذاشته‌اند. از مادران ساده‌روستایی تا مادران شهری مدرن او توانسته است هر کدام از این شخصیت‌ها را با ظرافتی مثال‌زدنی به تصویر بکشد. اما شاید یکی از به‌یادماندنی‌ترین نقش‌های او مادری در فیلم «شیار ۱۴۳» باشد؛ نقشی که نه‌تنها یک بازی بلکه یک زندگی دوباره بود. در این گزارش به بررسی نقش‌های مادرانه مریلا زارعی می‌پردازیم؛ زنی که با هنر بی‌ظفرش توانسته کفش‌های دیگران را به پا کند و دنیای آن‌ها را به ما نشان دهد. او نه‌تنها یک بازیگر بلکه یک روایت‌گر توانای زندگی‌های دیگر است.

## در آغوش مادر

«نه دو تا چشمم نمیدن روشنایی، روم (فرزندم) از این دشت و بیابون کی میایی؟» مادری از این دشت و بیابون، صبح نوروز، مادر به قریون توکنم هرچی بخوایی/ نه لالالا بکن خوابی، مادر همه خوابی، تو بیداری...» این لالایی است که الفت، مادر فیلم سینمایی «شیار ۱۴۳» آن‌را می‌خواند. این‌را می‌خواند و تصویر فرزندش در بغل‌ها نشان می‌دهد. مخاطب پلک می‌زند. تصویر حالا پیکر پسر شهید الفت در بغل اوست، پیکری که از آن تنها چند پاره استخوان مانده. با هر بار پلک زدن، تصویر بین‌نوادری پیکر در رفت و آمد است و به جز پسر، مادر شکسته و زیرشده‌المان دیگری است که به چشم می‌آید. الفت در فیلم «شیار ۱۴۳» زن ساده‌ای است، اما بازی کردن الفت قطعاً کاری



سخت حساب می‌شود. الفت، زنی روستایی و ساده‌دل است که با صداقت تمام از ترس‌ها، دل‌خووری‌هایش حرف می‌زند. وقتی می‌ترسد پسرش به جبهه برود و شهید شود، به جای گفتن مستقیم این ترس، بهانه‌ای کودکانه می‌آورد: «از درشش عقب می‌ماند.» این بهانه‌های ساده و صمیمی، نشان‌دهنده دل نازک و شکننده اوست که تاب دوری و خطر را ندارد. الفت، زنی است که با وجود سادگی‌اش، عمق احساساتش را به‌راحتی نشان می‌دهد و مخاطب را با خود همراه می‌کند.

روزمرگی‌های الفت هم جالب و متفاوت است. او زنی است که هم‌پای مردان کار می‌کند؛ کاھگل و سسیمان می‌زند، دیوار می‌کشد، از گوسفند‌ها مراقبت می‌کنند، پابرهنه در کوچه‌های خاکی می‌دود و حتی از درخت بالا می‌رود. این کارها نه‌تنها برای مخاطب تازگی دارند بلکه شخصیت قدرتمند و مستقل او را به تصویر می‌کشند. الفت زنی است که به کسی نیاز ندارد اما در عین حال روی مادرانه‌اش آن‌قدر نازک و شکننده است که نمی‌تواند غم دوری فرزندش را تحمل کند. رادیویی که او همیشه به پرشالش پسته بود، نشان از انتظار و منتظر بودن او می‌داد. زارعی در این نقش به‌طور طبیعی و باورپذیر با لهجه روستایی سخن می‌گوید و تلاشش را کرده تا تمام بازیگری‌های نقش را به‌دقت در بیابد. از شیطنت‌های کودکانه‌اش مثل بوسه فرستادن برای پسرش یا تملک گفتن به تلفنچی، تا لحظاتی پرترش و احساسی‌اش، مثل وقتی که مادرش را بی‌حوا از خواب بیدار می‌کند تا خبری از پسرش بگیرد، همه‌چیز آن‌قدر طبیعی و واقعی است که گویی خود الفت را می‌بینیم، نه مریلا زارعی. ترس و وحشتش وقتی خبر لو رفتن عملیات را می‌شنوند، یا آن لحظه شوک و ذوق‌زدگی‌اش وقتی می‌فهمد پسرش آزاد شده، همه‌چیز آن‌قدر دقیق و احساسی اجرا شده که مخاطب کاملاً با او همذات‌پنداری می‌کند. الفت زنی است که مخاطب دوستش دارد. او با آن شیرین‌زبانی و صمیمیتش دل‌ها را می‌رباید. اما از آنجا که می‌دانیم انتظارش برای بازگشت پسرش نافرجام است، بیشتر به حالش دل می‌سوزانیم. الفت زنی است که با تمام سادگی‌اش عمیق‌ترین احساسات را در ما بیدار می‌کند و مریلا زارعی با بازی بی‌ظفرش این شخصیت را نه‌تنها به یکی از ماندگارترین نقش‌های سینمای ایران تبدیل کرده، که به‌عنوان نمادی از مادران شهدا از آن یاد می‌شود.

## مادری برای همه

مریلا زارعی در فیلم سینمایی «بادبگارد» بیشتر از آنکه جلوه‌هایی از مادر بودنش را نشان دهد، هوسرانگی‌هایش با «حیدر» در ذهن می‌ماند. حیدر و راضیه زوجی همراه دلسوزند که در صحنه‌های مختلف فیلم، این علاقه پنهانشان کاملاً مشخص است. این رابطه عاطفی یکی از نقاط قوت فیلم است و مریلا زارعی با بازی قدرتمندش این نقش را به‌خوبی ایفا می‌کند. دو دختر این زوج با پدرشان رابطه‌ای عمیق و صمیمانه ندارند و مادرشان راضیه، واسطه‌ای بین دختران و پدرشان است. بیشتر بار زنگانی این فیلم به عهده راضیه افتاده است و او با قدرت و ظرافت این مسئولیت را به دوش می‌کشد. شخصیت فردی مریلا زارعی و قدرت نقش آفرینی او در قالب همسر یک‌رومنده که امروز محافظی کهنه‌کار است در پرزنگ‌سازی این بعد بی‌تاثیر نبوده است. شخصیت راضیه که در «بادبگارد» آن‌چنان قوی پرداخت شده که حتی می‌توان گفت راضیه آمده تا بادبگارد حیدر باشد. حیدر شغلش بادبگارد بودن است، اما راضیه برای مراقبت از حیدر فقط ابرازش عشق و محبت است و در مقابلش هم تنها عشق و محبت در یافت می‌کند. این رابطه عاطفی و عمیقی یکی از زیباترین جنبه‌های فیلم است که مخاطب را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. راضیه جدای از مادر و همسر بودن یک مدیر دیربستان دخترانه هم هست و بار تربیتی و مسئولیت



فرزندان دیگران و ایران را هم به دوش می‌کشد. او حتی برای مراقبت از دختران مدرسه‌اش زمین هم می‌خورد و این نشان‌دهنده تعهد و مسئولیت‌پذیری بالای اوست. راضیه نه‌تنها از خانواده خود مراقبت می‌کند، بلکه به‌عنوان یک مدیر دلسوز نقش مهمی در تربیت نسل آینده‌دار دارد. این شخصیت چندبعدی راضیه را به یکی از قوی‌ترین نقش‌های زن در سینمای ایران تبدیل می‌کند. حیدر محافظ یکتا نفر است و راضیه مراقب انسان‌های بیشتری است که صرفاً از روی نگرانی و با محبت این کار را انجام می‌دهد. راضیه تا لحظاتی آخر هم به دنبال مراقبت از عزیزانش است، چادر راضیه در پایان فیلم که روی جنازه خود آلود همسرش کشیده می‌شود نماد دیگری از این محافظت است.

## مادری با شخصیت

۶ سال بعد از بازی کردن مریلا زارعی در فیلم سینمایی «ج»، دوباره گلونی سربند به سر و کراس (نام پیراهن زنانه مربوط به خطه کرمانشاه) به تن این بار جلسوی دوربین «کارو» نقش یک زن کردی را ایفا کرد. زارعی در این فیلم دو شخصیت دارد. در نیمه اول فیلم مریلا زارعی یک مادر کرد است که به‌تندی مسئولیت خانواده‌اش را به دوش می‌کشد و او نه‌تنها مادر خانواده است بلکه نان‌آور اصلی نیز محسوب می‌شود. شیلان با راندنگی کامیون و فروش شیر در شهر امرار معاش می‌کند. این تصویر از زنی است که در جامعه‌ای مردسالار به‌تندی از پس زندگی برمی‌آید، اما زنانگی‌هایش را فراموش نمی‌کند. زارعی در این بخش از فیلم با ظرافت و دقت زنگانی و قدرت را هم‌زمان به نمایش می‌گذارد. او در عین حال که به‌عنوان یک زن مهربان و دلسوز است به‌عنوان یک مادر مقتدر و مسئولیت‌پذیر عمل می‌کند.

در نیمه دوم فیلم شخصیت شیلان دستخوش تغییرات بزرگی می‌شود. وقتی پسرش بدون اجازه به جبهه می‌رود شیلان مجبور می‌شود به دنبال او برود. این تصمیم او را وارد موقعیت‌هایی می‌کند که به‌عنوان یک زن بسیار سخت و چالش‌برانگیز است. اما شیلان به‌عنوان یک مادر چاره‌ای جز این ندارد. او باید به هر قیمتی شده پسرش را پیدا کند و به خانه برگرداند. این بخش از فیلم شیلان را به‌عنوان یک زن جنگجو و فداکار نشان می‌دهد که حاضر است برای نجات فرزندش از هر خطری عبور کند. فداکاری کلیدواژه‌ای است که شیلان به‌عنوان مادر آن‌را با تمام وجودش نشان می‌دهد. در سکانس‌هایی که شیلان در میان کوه‌های آذربایجان می‌دود و به جست‌وجوی پسرش است، می‌درخشد. با پخش این فیلم تقدای زیادی به این فیلم شد اما بازیگری مریلا زارعی همان نقطه‌ای بود که به اتفاق منتقد‌های زیادی آن‌را امتیاز مثبت فیلم می‌دانستند.

## مادری که خودش را دوست ندارد

«زیر سقف دودی» یکی دیگر از فیلم‌هایی است که مریلا زارعی در آن مادر هم بوده است. زارعی با نام «شیرین» مادر و همسری است که از دو مرد‌های نزدیک‌زندگیش، یعنی همسر و پسرش آسیب می‌خورد. شیرین مادری است که در عین فداکاری و ایثار دچار ضعف‌های عمیق عاطفی و روانی است. شیرین زنی است که تمام زندگی‌اش را وقف خانواده کرده، اما در این مسیر نه‌تنها خودش را فراموش کرده بلکه دیگران هم او را از یاد برده‌اند. رفتارهای شیرین با اینکه از روی عشق و نگرانی است اما در نهایت باعث می‌شود پسرش احساس خفگی کند و رابطه‌اشان دچار تنش شود. شیرین که به‌کل نیازهای خودش را به‌عنوان یک مادر و همسر فراموش کرده تازگی‌اش را به اشتباه صرف‌رغ نیازهای خانواده می‌کند. این رفتار او نه‌تنها باعث فرسودگی خودش



می‌شود بلکه دیگران را نیز به سوءاستفاده از او عادت می‌دهد. شیرین خود را به‌عنوان یک خدمت‌رسان دائمی می‌بیند و همین باعث می‌شود ارزش واقعی او نادیده گرفته شود. شیرین خود به خود این‌گونه نشده، به بیانی دیگر تربیت اشتباه مادرش باعث شده تا او هم به مسیری اشتباه برود. در نهایت شیرین مادری است که در طول فیلم به «خودآگاهی» می‌رسد. او پس از مراجعه به روانشناس و مواجهه با واقعیت‌های زندگی‌اش تصمیم می‌گیرد تغییر کند. او یاد می‌گیرد که مادر خوب بودن به معنای فداکاری بی‌حدوحصر نیست، بلکه به معنای ایجاد تعادل بین نیازهای خود و خانواده است.

در جایی از فیلم شیرین در برابر همسرش که تصمیم به ترک خانه گرفته می‌گوید: «اگر ۱۰-۱۵ سال پیش بود ازت می‌خواستم نری! التماس می‌کردم... خواهش می‌کردم... به بات می‌افتام... گریه آر مان رو بپانه می‌کردم... ولی الان توانش روندام... به آدم قوی الان باید جلوی در وابسته نذره پری... اون آدم قوی من نیستم... چون تو خواستی من قوی باشم واسه به همچین روزی!» این دیالوگ عمق ناامیدی و شکست خوردگی شیرین را نشان می‌دهد. او سال‌ها خود را فدای خانواده کرده، اما حالا دیگر توان ادامه این راه را ندارد. او همیشه در سایه نیازهای خانواده خود را نادیده گرفته است. این لحظه نقطه عطفی برای شیرین است. او دیگر نمی‌خواهد با التماس و گریه همسرش را نگه دارد چون می‌داند این رفتارها عزت‌نفسش را بیشتر از بین می‌برد. این آغاز تغییر اوست؛ از زنی وابسته و فداکار به فردی که می‌خواهد خودش را پیدا کند و قوی‌تر شود. این دیالوگ نقطه اوج تحول شخصیت شیرین است، جایی که او تصمیم می‌گیرد دیگر قربانی نباشد و برای خودش ارزش قائل شود.

## مادر گریه‌کننده، بقیه بخندند

«خروس جنگی» جز آن کم‌دی‌های به‌یادماندنی سینمای ایران است که با گذشت ۱۷ سال هنوز که هنوز می‌تواند مخاطب را بخنداند. داستان فیلم «خروس جنگی» درباره زندگی زن و شوهری است که در سالگرد ازدواجشان تصمیم می‌گیرند جایشان را از نظر شغلی با هم عوض کنند. با اینکه حضور زارعی در فیلم‌های کم‌دی به مراتب از آثارهای دیگر کمترگتر بوده، اما با این حال بازی‌های خوبی در این ژانر داشته است.

مریلا زارعی در فیلم «خروس جنگی» نقش زنی را بازی می‌کند که در مواجهه با چالش‌های زندگی زناشویی و خانوادگی، شخصیتی قوی، مستقل و در عین حال انعطاف‌پذیر از خود نشان می‌دهد. او در این فیلم به‌عنوان مادر و همسر تصویری از زنانی را ارائه می‌دهد که در عین حال که مسئولیت‌های خانوادگی را به دوش می‌کشند، توانایی مدیریت بحران‌ها و مشکلات را نیز دارند. مریلا زارعی در این فیلم مادر یک دختر نوجوان و یک پسر خردسال را بازی می‌کند. وقتی او و همسرش (رضا عطاران) جایشان را عوض می‌کنند زارعی با وجود چالش‌های جدید سعی می‌کند تا جای ممکن از پس مسئولیت‌های جدید برآید. با اینکه برخی از کارها و اتفاقات داخل فیلم صرفاً نوشته شده تا مخاطب را بخنداند اما باید اعتراف کرد که بسیاری از آن‌ها دور از ذهن نیست. برای مثال وقتی پدر و مادر این خانواده جایشان را باهم عوض می‌کنند در تمام ابعاد زندگی که پدر عهده‌دار انجام آن‌ها شده اختلال به وجود می‌آید؛ از کارهای خانه گرفته تا نوع رفتار با فرزندان و دیگر جنبه‌های زندگی‌شان از خانه‌دار و شاغل. مریلا زارعی در این فیلم به‌عنوان یک مادر تصویری مسئولیت‌پذیر و دلسوز ارائه می‌دهد. او در عین حال که به کار خود مشغول است نگران خانواده فرزندانش نیز هست. این تصویر از مادری که هم‌زمان می‌تواند هم به کار خود برسد و هم به خانواده‌اش رسیدگی کند، نشان از تعادل بین نقش‌های مختلف زنان در جامعه دارد.

## آگهی مزایده عمومی

**دستگاه مزایده‌گذار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول**

**موضوع مزایده:** اجاره یک باب ملک نیم طبقه کارگاهی به متراژ ۱۳۰ متر فاقد هر گونه امکانات

**مهلت مراجعه جهت بازدید و دریافت اسناد مزایده:** از تاریخ

۱۴۰۳/۱۱/۱۳ لغایت ۱۴۰۳/۱۱/۲۷ به مدت ۱۰ روز کاری

**محل دریافت اسناد مزایده:** دزفول، کوی آزادگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، ساختمان اداری، دفتر تدارکات واحد و یا به آدرس اینترنتی [dezful.iau.ir](http://dezful.iau.ir) (قسمت مزایده/منافصه) مراجعه نماید.

**مهلت ارائه پاکات:** تا ساعت ۱۴:۵۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۷

**محل تحویل پاکات:** دزفول، کوی آزادگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، ساختمان اداری، دفتر حراست واحد

**شرایط مزایده:**

- شرکت در مزایده به‌منزله پذیرفتن اختیارات و تکالیف دستگاه مزایده‌گذار
- و کلیه شرایط آیین‌نامه معاملات دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد.
- دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد.
- پاکت‌های خارج از موعد مقرر به هیچ‌عنوان تحویل گرفته نخواهد شد.
- به پیشنهاد‌های مشروط، مبهم، ناقص، دارای خط‌خوردگی و فاقد تضمین ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- متقاضیان واجد شرایط (اعم از حقیقی یا حقوقی) می‌بایست بابت تضمین شرکت در مزایده مبلغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۲۱۷۱۰۶۲۳۰۰۰ نزد بانک ملی شعبه دانشگاه آزاد اسلامی دزفول واریز و اصل فیش واریزی را در زمان تحویل پاکات به تدارکات واحد تحویل نمایند.
- چنانچه برنده مزایده حاضر به انعقاد قرارداد نشود، سپرده ایشان به نفع دانشگاه ضبط خواهد شد.
- پرداخت هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

**شماره تماس:** ۰۶۱۴۲۴۲۲۹۰۱

## آگهی مناقصه

**صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی** در نظر دارد نسبت به خرید، نصب و راه‌اندازی نرم افزار (مطابق RFP) با شرایط ذیل، اقدام نماید. متقاضیان می‌توانند صرفاً در مهلت مقرر به سامانه ستاد به آدرس [setadiran.ir](http://setadiran.ir) مراجعه نمایند.

ردیف	موضوع	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه (ریال)	مهلت توزیع اسناد	جلسه پاسخگویی به سوالات	مهلت ارائه پیشنهادات	زمان بازگشایی پاکات (مرحله دوم)	زمان بازگشایی پاکات (مرحله اول)
۱	خرید، نصب و راه‌اندازی نرم افزار (مطابق RFP)	۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	از ساعت ۸ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۴ لغایت ساعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۷	ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۰ لغایت ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۴	مهلت ارائه پیشنهادات الف و ب (مرحله اول)	ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۰	ساعت ۸ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۰ لغایت ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۴

\* آدرس صندوق: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از طالقانی، نبش کوچه گیلان، پلاک ۱۶۰۵. صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تذکر: سپرده قابل قبول برای شرکت در مناقصه واریز وجه نقد یا ضمانتنامه بانکی معتبر با حداقل ۳ ماه اعتبار یا قابلیت تمدید تا سه‌ماه دیگر می‌باشد.

**صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی**

## آگهی مناقصه عمومی

منافصه عمومی دولتی همزمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه) شماره FLS-۰۳۴-۰۲۶۲ شرکت صنایع و مهندسی صنایع (مکانیک تعمیرات نیروگاه‌ها صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۹۰۶۵۲۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدیرک فارغ‌التحصیلی اینجانب غلامحسین جاویدی فرزند خلیفه به شماره شناسنامه ۴۳ صادره از نورآباد ممسنی رشته کارشناسی امور گرمی‌گر صا دره از واحد دانشسگ‌های آزاد بندرعباس با شماره ۱۵۸۵۱۱۴۰۱۰۷۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس به نشانی خیابان دانشگاه-دانشگاه آزاد اسلامی ارسال نماید.

مدیرک موقت فارغ‌التحصیلی محمد کعبی فرزند سعید به شناسنامه ۱۶۲۳ صادره از اهواز در مقطع کاردانی رشته تحصیلی علمی کاربردی مکانیک تعمیرات نیروگاه‌ها صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۹۰۶۵۲۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.